

مشکلات ایرانیان بعد از براندازی

هر نوع رژیمي که در آینده نه چندان دور، وارث پیامدهای مصیبت بار و اغلب غیرقابل جبران حکومت آخوندهای ویرانگر و جنایتکار بشود، بدون تردید، هر قدر دارای لیاقت و دلسوزی باشد، معهذاً اداره مملکت ویران شده و نجات ملتی که میلیونها نفر آن غرق در امراض مهلك و اعتیاد و بیکاری و دلمردگی می باشند، برایش کاری بسیار مشکل و نیاز به سالها کوشش و تلاش دارد. تازه اگر این تلاش و کوشش بوسیله متخصصین و کارشناسان و دانشگاه دیده ها و سازمانها و افراد فنی و سازنده وطن پرست انجام بشود، باز بیش از چند دهه طول میکشد. وقتی چنین ملتی با ده ها نوع بدبختی و مشکلات شدید و کشنده اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی و حتی کشاورزی سر و کار داشته باشد، هر انسان متفکری از آینده چنین جامعه ای نگران و حتی دچار وحشت میشود. وقتی بیاد آوریم که رضاشاه بزرگ برای انجام اصلاحاتی که انجام داده چهار سال وقت خود را صرف تأمین امنیت و منکوب نمودن یاغی ها و ملوک الطوائفی نمود، و ناچار شد برای انجام اصلاحات آن زمان، که يك هزار بدبختی ها و مصیبت های امروز جامعه ایران را نداشت از کارشناسان و متخصصین کشور آلمان استفاده کند، وقتی این واقعیت تلخ را بدانیم که متخصصین که از زمان رژیم پهلوی تربیت شده و موجب و موجد آبادی مملکت گردیدند، همه از کار افتاده و دوران کهولت و بازنشستگی را میگذرانند، و وقتی این بدبختی را بدانیم که رژیم آخوندها شدیداً با تربیت متخصص و عواملی که سازنده همه کشورها بوده و می باشند مخالف بوده است و هست، و وقتی بدانیم حتی افراد باسواد و نیمه سواد نیز به قول خود مقامات رژیم شب و روز از ایران فرار می نمایند، و وقتی این مصیبت را هم بدانیم که تحصیل کرده ها و متخصصین ایرانی مقیم خارج بعد از توطئه و پدیده شوم 1357 دیگر به ایران مراجعت نمی نمایند، و برتر و غم انگیز و وحشتناکتر از همه اینها، وقتی بدانیم دولت استعمارگر انگلیس با داشتن هزارها نفر عامل ایرانی در جناح ها و طبقات مختلف شدیداً با پیشرفت و ترقی ایران مخالف است، در این صورت، اگر بزرگترین نوابغ و رهبران تاریخ هم مقدرات ملت ایران را بدست بگیرند برای نجات این ملت و پیشرفت این مملکت با دشواری های زیادی روبرو خواهند بود.

با اشاره کوتاه به این واقعیت های تراژیک میخوام از متفکرین و مدعیان رهبری نقاضا کنم که در يك سمنیاری که بزودی تشکیل میشود، نظرات خود را برای حل چنین مشکلات عظیمی و نجات چنین ملتی که در فساد و بدبختی و امراض و ناآگاهی و سردرگمی دچار هستند، بنویسند.